



که سال ۹۸ است، یعنی ۱۸ سال، فساد در کشور وجود دارد و سران سه قوه بر مبارزه جدی با فساد تأکید می‌کنند. این تصویر چه چیزی به ما می‌گوید؟ این تصویر به این معنی است که ما توانایی حل مناقشات و مسأله‌های خود را نداریم.

از سوی دیگر، در ایران حتی ظرفیت مناقشه کردن هم وجود ندارد. مناقشه کردن بر سر رسانه خصوصی یکی از این موارد است. همه جای دنیا حتی در همسایگی ما یعنی کشور افغانستان هم رسانه‌های خصوصی در حال فعالیت هستند، اما ما هنوز تکلیف خود را در این زمینه روشن نکرده‌ایم. نتیجه همه این موارد این است که مردم احساس می‌کنند آبی که درون آن هستند - که این آب را بواسطه همه جا بودنش دیگر احساس نمی‌کنند - گویی این آب خاصیتی ندارد، یعنی تا وقتی از آن بیرون نیفتند، خاصیت آن را هم احساس نمی‌کنند. به این معنی نیست که این دولت اصلاً خاصیتی ندارد، بلکه کف خاصیت دولت این است که نظم و امنیت عمومی را برقرار می‌کند، اما یادمان باشد اگر از زاویه دیدگاه‌های «ویر» به نظم و امنیت نگاه کنیم، می‌بینیم که برقراری امنیت مهم‌ترین کارکرد دولت‌هاست زیرا در بی‌امنیتی چیزی وجود نخواهد داشت، اما فقط امنیت برقرار کردن هم برای اینکه دولت احساس بشود، کفایت نمی‌کند.

■ آقای دکتر ربیعی به زمینه‌های تاریخی و حتی ساختار قانونی دوگانگی یا چند پارگی دولت در ایران اشاره کردند. شما زمینه‌های این دوگانگی را چه می‌دانید، دوم اینکه چطور در فقدان توانایی حل مسأله، در فقدان اجماع سازی، سازوکار دولت همچنان به فعالیت خود ادامه داده است؟

فاضلی: ایران کشوری بسیار گسترده و با منابع بسیار گسترده است و این منابع شامل نیروی انسانی، جنگل، آب، نفت و همه اینها می‌شود. کشوری با ظرفیت ۸۰ میلیون نفری جمعیت، با state یا دولتی با کارکردهای ناقص هم می‌تواند در یک بازه زمانی نسبتاً طولانی مدت، البته با فشار بر این منابع به فعالیت خود ادامه دهد. منظور از فشار بر منابع این است که نفت خام بفروشد، جنگل‌ها را صاف کند،

که سران قوا در آن عضویت دارند. در اصل این شوراهای عالی به این دلیل تشکیل می‌شوند که اعضای آنها خودشان قادر به اجماع سازی نیستند. به عنوان مثال وزارت علوم قادر نیست یک سیاست اجماعی را پیش ببرد، بنابراین در شورایی به نام شورای عالی انقلاب فرهنگی اختیارات او را محدود می‌کنیم و همه عناصر مراقب هم هستند تا مبادا کسی کاری انجام دهد. شورای عالی آب، پول، محیط زیست، کار، اشتغال، رفاه و بیمه، همه این‌ها شوراهایی هستند که هدف نهایی آنها کنار هم جمع کردن شرکای یک موضوع است تا از درون آن یک اجماع حول سیاست‌های مختلف ایجاد شود. دکتر ربیعی به عنوان کسی که ۵ سال وزیر بود، می‌تواند به ما بگوید که از درون برخی از این شوراهای عالی که ایشان دبیر آنها بوده است، یعنی شورای عالی اشتغال، شورای عالی بیمه یا شورای عالی رفاه، هیچ‌گاه اجماع ایجاد نشده است.

جالب اینجاست که اعضای همین شوراها برای اجماع سازی تشکیل شده‌اند، اما دوم سوم آنان سالی یک بار تشکیل جلسه می‌دهند، بعد از این مدت هم، نتیجه این جلسات هر چه که باشد، سایر شرکای درون این شورا به آن نتیجه پایبند نیستند. به سرنوشت این شوراهای عالی و مصوبات آنها نگاه کنید! در بعضی از این شوراها، مصوبه‌های خروجی، تازه اول مناقشه است. شورای عالی انقلاب فرهنگی پروژه عظیمی به نام اسلامی کردن علوم انسانی را دنبال می‌کند، به جای اینکه این پروژه محل اجماع باشد، به محل مناقشه تبدیل شده و این‌ها تازه خروجی یک شورای بین بخشی یا سه قوه‌ای است. بنابراین ظرفیت اجماع سازی در دولت در ایران از دست رفت. اما کارکرد دیگر، یعنی ظرفیت اداره کردن و منظم کردن امور جامعه و کشور چطور؟ وضعیت دولت در ایران در این باره چگونه است؟ وقتی در کشور مسأله‌هایی مزمین می‌شوند؛ مانند چندین دهه تورم دورقمی، بیکاری دورقمی، رشد اقتصادی نامناسب، تخریب محیط زیستی فزاینده، حل نشدن مسأله اجتماعی در حد اینکه بالاخره زنان می‌توانند سوار دوچرخه شوند یا نمی‌توانند، می‌توان ساز را در صداوسیما نشان داد یا نمی‌توان نشان داد، این موارد یعنی وقتی مسأله‌های شما تا دم پیدای می‌کند و ۴۰ ساله می‌شود، به این معنی است که ظرفیت دولت در اداره کردن مسائل جامعه و کشور پایین است. به دلیل پایین بودن ظرفیت اداره کردن است که شما به عنوان یک شهروند می‌بینید پس از ۴۰ سال هنوز تورم حل نشده است. در این حالت، گزارش‌هایی به اندازه یک عکس در اینستاگرام دست به دست می‌شود که در آن تورم کشورهای همسایه را نشان می‌دهد؛ افغانستان یک درصد، قطر دو دهم درصد، عربستان سه درصد، ترکیه ۴ درصد، اما در کشور سال‌هاست که تورم دورقمی را شاهد هستیم.

به همین دلیل است که این شهروند اعتماد خود به ظرفیت اداره کردن از سوی دولت را از دست می‌دهد. مسأله آخر، توانایی دولت‌ها برای حل مناقشه است. ما در ایران شاهد هستیم که دولت به معنای state توانایی حل مناقشه را از دست می‌دهد. اکنون مناقشه‌های زیادی وجود دارد که ما نتوانستیم آنها را حل کنیم که مناقشه بر سر قانون جرم سیاسی تنها یکی از آن‌هاست. هنوز عده‌ای می‌گویند در ایران اصلاً مجرم سیاسی نداریم و همه این‌ها مجرم امنیتی هستند، اما گروه‌های سیاسی می‌گویند نمی‌شود که این همه آدم، همه مجرم امنیتی باشند. ادامه بحث‌ها درباره لایحه شفافیت، مقوله حقوق بشر، حقوق زنان، ادیان، بانک و... این‌ها مسأله‌هایی است که مناقشه بر سر هر کدام از آنها می‌تواند یک کشور را تکان بدهد. فساد هم یکی از مسائل مناقشه برانگیز است. کتابی به نام ۳۰ سال در سال ۸۷ منتشر شده که حاوی مجموعه‌ای از عکس‌های عکاسان ایرانی از ۵۷ تا ۸۷ است.

در این کتاب عکسی مربوط به سال ۸۰ منتشر شده که یک گیشه روزنامه فروشی را نشان می‌دهد. در این عکس، تصویری از روزنامه ایران روی دکه روزنامه فروشی وجود دارد که در آن، عکس ۱۰ نامزد انتخابات ریاست جمهوری در صفحه اول منتشر شده است. ذیل این تصویر، تیتر دیگری هم هست به همراه عکسی از سران سه قوه که نوشته شده «سران سه قوه بر مبارزه جدی با فساد تأکید کردند.» این تصویر و این عکس یعنی از سال ۸۰ تا امروز

**فاضلی: در ایران دولت‌ها همه جا هستند و اساساً شما بیرون از دولت زندگی نمی‌کنید. مانند ماهی که در آب زندگی می‌کند، دولت هم همچون آب همه جا حضور دارد؛ کما اینکه رسانه‌ها دولتی هستند، دولت درباره قواعد لباس پوشیدن یا درباره ورزشگاه رفتن نظر می‌دهد**